

بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش بینی سود و رشد شرکت

رویا دارابی

استادیار، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب (مسئول مکاتبات)
royadarabi110@yahoo.com

حمید علیزاده

کارشناس ارشد حسابداری، کارشناس بخش حسابرسی دانشگاه آزاد اسلامی

ژیلا علیزاده

کارشناس ارشد حسابداری، کارشناس حسابداری اداره املاک شهرداری تهران

تاریخ دریافت: ۹۲/۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۲/۵/۲۰

چکیده

باتوجه به اهمیت پیش بینی سودهای آتی، سرمایه گذاران همواره در جستجوی معیاری مربوط جهت پیش بینی آن هستند، لذا سودهای گذشته و جریان نقد عملیاتی را به عنوان معیاری مربوط جهت پیش بینی سودهای آتی یافته اند این تحقیق رابطه میان طول دوره تصدی حسابرس و توانایی پیش بینی سود را در مورد ۱۱۷ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای مالی ۱۳۸۴ الی ۱۳۹۰ مورد بررسی قرار می دهد. در این تحقیق ابتدا رابطه میان دوره تصدی حسابرس و توانایی پیش بینی سود مورد آزمون قرار گرفت که نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان دهنده یک رابطه معنادار و مستقیم بین دوره تصدی حسابرس و توانایی پیش بینی سود می باشد. سپس رابطه بین دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود، رشد شرکت و رشد سود هر سهم مورد آزمون قرار گرفت، که نتایج حاصله نشان دهنده وجود رابطه معکوس بین دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود و وجود رابطه مستقیم بین دوره تصدی حسابرس با رشد شرکت و رشد سود هر سهم می باشد.

واژه‌های کلیدی: دوره تصدی حسابرس، توانایی پیش بینی سود، خطای پیش بینی سود، رشد سود هر سهم، رشد شرکت.

۱- مقدمه

با توجه به رسوایی های مالی اخیر که در سطح بین الملل نظیر انرون، ورلدکام، تلکام، پارلامات و... که نگرانی هایی را در رابطه با کیفیت گزارشگری مالی پدید آورده است. حسابرسی مستقل نقش اساسی در فرآیند گزارشگری مالی و قابلیت اعتبار آن بازی می کند (واتس و زیمرمن^۱، ۱۹۸۶). درحالی که مسئولیت تهیه صورت های مالی بر عهده مدیریت شرکت بوده ولی در پی این رسوایی ها، انگشت اتهام به سوی حسابرسان نیز نشانه رفته است. برای مثال در رسوایی انرون علاوه بر مدیریت ارشد شرکت، حسابرسان آن (موسسه آرتور اندرسون) نیز به دلیل قصور در عدم کشف تقلبهای صورت پذیرفته مقصر شناخته شد. در این ارتباط این اتفاق نظر وجود دارد که فقدان استقلال و کیفیت ضعیف حسابرسی موجب وقوع چنین رسوایی هایی گشته است. در پی این وقایع که از آن بعضاً با عنوان شکست حسابرسی یاد می شود، قانونگذاران و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و حسابرسی در پی ساز و کارهایی برای بهبود استقلال حسابرسان و کیفیت حسابرسی بوده اند (لی^۲، ۲۰۰۷). از جمله این تلاشها می توان به موضوع چرخش اجباری حسابرسان اشاره کرد.

ذهنیتی که مدیریت شرکت از طول دوره تصدی خود دارد اغلب بر بکارگیری سیاستهای تعهدات اختیاری توسط مدیریت موثر میباشد و اغلب مدیرانی که برآوردی کمتر در رابطه با طول دوره مدیریت خود دارند گرایش بیشتری در بکارگیری تعهدات اختیاری دارند و این امر اغلب اوقات ریسک نکول را در شرکت افزایش می دهد و لذا اهمیت موضوع را می توان از منظر سهامداران مورد توجه قرار داد، براساس تئوری نمایندگی، فرصت طلبی مدیران می تواند ثروت سهامداران را به مخاطره بیاندازد و همچنین باید این مطلب را نیز در نظر داشت که با زیادتر شدن دوران تصدی حسابرسان در یک شرکت و اشراف بیشتر بر نوع فعالیت شرکت و همچنین شرایط حاکم بر شرایط و داشتن شناخت بیشتر بر فعالیت شرکت باعث می گردد تا سود هایی که توسط مدیریت پیش بینی شده است و تحت عنوان صورتهای مالی پیش بینی شده در اختیار سرمایه گذاران قرار می گیرد را در صورتیکه دارای

شرایط نزدیکی بیشتری به واقعیت باشند را تایید نماید تا خطای پیش بینی صورت های مالی کاهش یابند. با توجه به آنچه که شرح آن در بالا رفت این تحقیق درصدد است تا اثر متغیر دوره تصدی حسابرسان را بر توانایی پیش بینی سود و خطای پیش بینی سود و به تبع آن رشد شرکت و رشد سود هر سهم در شرکتهای حاضر در بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار دهد. با عنایت به این موضوع که رابطه دوره تصدی حسابرسان و توانایی پیش بینی سود و رشد شرکت در حاله ای از ابهام است، نتایج حاصل از این تحقیق می تواند به قانون گذاران بازار سرمایه در ارتباط با تدوین قوانین مرتبط با چرخش حسابرسان کمک کند. همان طور که پیش از این نیز عنوان شد شورای عالی بورس در سال ۱۳۸۶ چرخش هر چهار سال حسابرسان را اجباری کرده که از ۱۳۹۰ این دستورالعمل اجرایی شد. این در حالی است که این الزام فاقد یک مبنای علمی می باشد. همچنین نتایج حاصل از آن می تواند راه گشای سرمایه گذارانی باشد که در تصمیم گیری های خود به صورتهای مالی شرکتهای اتکا می کنند و لذا این امر ایجاب می کند تحقیقی در این رابطه صورت پذیرد.

هدف این تحقیق بررسی دوره تصدی حسابرسان در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و ارتباط آن از حیث اثر این متغیر بر پایداری سود است. در واقع تحقیق حاضر در پی آن است که رابطه بین مقوله دوره تصدی (چرخش) حسابرسان با توانایی پیش بینی سود و رشد شرکت و رشد سود را که یکی از ابعاد کیفیت گزارشگری مالی می باشد و همچنین رابطه بین دوره تصدی (چرخش) حسابرسان و رشد شرکت و رشد سود را در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تبیین کند تا بدین وسیله پشتوانه ای آکادمیک برای بحث چرخش اجباری حسابرسان در کشور ایران باشد.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

موضوع چرخش اجباری حسابرسان خود به دو مقوله مجزا تفکیک می شود. یکی تغییر در سطح تیم حسابرسی بخصوص در رده شرکا و مدیران و دیگری تغییر در سطح موسسه حسابرسی است (همیلتون و همکاران^۳، ۲۰۰۵).

در ایران نیز بنابر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل موسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب مورخ ۱۳۸۶/۰۵/۰۸ شورای عالی بورس، موسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت ۴ سال، مجدداً سمت حسابرس مستقل و بازرس قانونی شرکت واحدی را بپذیرند. با این اوصاف از سال ۱۳۹۰ چرخش اجباری حسابرسان در کشور ایران لازم الاجرا شد.

این در حالی است که دو دیدگاه متضاد در مورد رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت حسابرسی و به تبع آن کیفیت گزارشگری مالی وجود دارد. یک دیدگاه بیان می‌دارد که به دلایلی نظیر دانش کمتر حسابرس در سالهای اولیه ارتباط با مشتری، کیفیت حسابرسی پایین تر از سالهای بعدی است. از این رو چرخش حسابرسان مفید به فایده نمی‌داند. در مقابل دیدگاه دوم بیان می‌کند که دلایلی نظیر بی‌طرفی (استقلال) بیشتر حسابرس در سالهای اولیه، کیفیت حسابرسی بالاتر است. زیرا این امکان وجود دارد که در بلندمدت استقلال حسابرس دستخوش روابط با صاحبکار شود (کارسلو و ناگی^۴، ۲۰۰۴). بنابراین برای جلوگیری از این امر چرخش حسابرسان ضرورت دارد. با این اوصاف، این که چرخش اجباری حسابرس سبب ارتقای کیفیت گزارشگری مالی می‌شود در حاله ای از ابهام قرار دارد.

چرخش اجباری حسابرسان، پس از شکست‌های اخیر حسابرسی، توجه بسیاری را به خود معطوف کرده است (جنکینز و ولوری^۵، ۲۰۰۸). دوره تصدی حسابرس عبارت است از تعداد سال‌هایی که شرکت حسابرس را حفظ می‌کند و به محدود کردن دوره تصدی حسابرس، چرخش اجباری حسابرس اطلاق می‌شود (مایرز و همکاران^۶، ۲۰۰۳).

همان‌طور که پیش از این عنوان شد در ارتباط با دوره تصدی حسابرسان و کیفیت گزارشگری مالی دو دیدگاه متفاوت وجود دارد. دیدگاه اول بیان می‌دارد که هر چه دوره تصدی حسابرس کمتر باشد، کیفیت سود نیز پایین‌تر خواهد بود. بنابراین چرخش اجباری حسابرس را مفید تلقی نمی‌کند. سه تفسیر متفاوت در این ارتباط وجود دارد.

اولین تفسیر بر مبنای این ادعاست که حسابرسان با دوره تصدی کوتاه، دانش تخصصی ضروری برای دستیابی به حسابرسی با کیفیت بالا را ندارند. علاوه بر این، حرفه حسابداری بیان می‌دارد که دوره تصدی کوتاه ممکن است ریسک بیشتری را برای قصور حسابرسی داشته باشد زیرا این حسابرسان با دانش تخصصی غیر کافی مجبور هستند تا با شدت بیشتری بر برآوردها و تجدید ارائه‌های انجام شده توسط شرکت مشتری تکیه کنند (پرایس و اتر هوس کوپرز^۷، ۲۰۰۲؛ گول و همکاران^۸، ۲۰۰۷). دومین تفسیر مبتنی بر این ادعا است که حسابرسان برای جذب و حفظ مشتری حق الزحمه کمی را دریافت می‌کنند و انتظار دارند تا در سال‌های بعدتر از طریق افزایش این حق الزحمه، زیان سالهای اول حسابرسی را جبران کنند. بر این اساس، حسابرسان با دوره تصدی کوتاه ممکن است در سال‌های اول حسابرسی سهل‌انگارتر باشند. این امر سبب کیفیت کمتر حسابرسی و کیفیت کمتر سود میشود. سومین تفسیر بر این مبنای استوار است که شرکتهای باکیفیت سود بالاتر برای علامت به بازار با احتمال بیشتری حسابرس خود را حفظ می‌کنند.

در مقابل دیدگاه دوم بیان می‌دارد که هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد، کیفیت سود نیز پایین‌تر خواهد بود. بنابراین از چرخش اجباری حسابرس حمایت می‌کند. حامیان تغییر حسابرس باور دارند در صورت چرخش اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می‌گیرند که قادر خواهند بود در مقابل فشارها و خواسته‌های مدیران مقاومت کرده و قضاوت بی‌طرفانه‌تری را اعمال نمایند. حضور طولانی مدت حسابرس در کنار یک صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار می‌شود، وضعیتی که استقلال و بی‌طرفی او را مخدوش می‌کند. همچنین، حسابرسان در بلندمدت تنبل و تن‌آسا می‌شوند و این امر به شایستگی آنها لطمه می‌زند. با این اوصاف چرخش اجباری سبب افزایش استقلال و بی‌طرفی و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسی می‌شود. پدیده چرخش موسسات و شریک حسابرسی که در سال‌های اخیر به زمینه مهمی در تحقیقات و مباحث حرفه‌ای اغلب کشورهای پیشرفته تبدیل شده است، یکی از راهکارهای عملی و مورد توصیه

خاطر حق الزحمه کمتر) استقلال کمتری دارند. یک تفسیر دیگر این است که شرکتها بعد از دریافت یک اظهار نظر مشروط (علی الخصوص به دلیل کیفیت پایین سود) حسابرسان را تغییر می دهند.

مطابق با دیدگاه بکر^{۱۵} (۱۹۸۹) تغییر در قیمت سهام واکنش به تغییرات سود در یک دوره مشخص است. بسیاری از منتقدین از جمله پورتر^{۱۶} (۱۹۹۲) اظهار می دارند که معامله مکرر و تمرکز بر کوتاه مدت، سبب ایجاد انگیزه برای مدیریت می شود تا از ناکامی در سود دوری کند، زیرا ممکن است موجب فروش سرمایه گذاری توسط سرمایه گذاران نهادی و کاهش قیمت سهام شرکت شود. بنابراین برای دستکاری سود و کاهش توانایی پیش بینی سود تمایل به دوران تصدی حسابرسان طولانی تری دارد.

اندازه شرکت و چرخش اجباری حسابرسان به وسیله تئوری هزینه سیاسی تحت تاثیر قرار می گیرد. برای نمونه واتس و زیمرمن (۱۹۹۰) بیان کردند که مدیران شرکتهای بزرگ از لحاظ سیاسی حساس ترند و تمایل دارند که از طریق اقلام تعهدی (معوقه ها)، هزینه های سیاسی را کاهش دهند. بیلینگز^{۱۷} (۱۹۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که اهرم بالاتر منجر به انتخاب رویه های حسابداری خاص که سبب افزایش سود می شوند، می گردد. بر اساس تحقیقات پیشین برای ملاحظات کیفیت سود نیز ما متغیر رشد (نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری) و وضعیت سودآوری شرکت را در نظر گرفته ایم.

فینگر^{۱۸} (۱۹۹۴) در تحقیق خود با عنوان قدرت سود در پیش بینی جریان های وجوه نقد و سود، فایده مندی سود را در پیش بینی منافع آتی سرمایه گذاری، سود و جریان های وجوه نقد حاصل از عملیات، آزمون کرده است. بر اساس یافته های این تحقیق، سود متغیری معنی دار در پیش بینی سود برای ۸۸٪ شرکتهای مورد مطالعه است. همچنین سود به تنهایی همراه با جریان های وجوه نقد، متغیری (متغیرهایی) معنی دار برای پیش بینی جریان های وجوه نقد در ۹۰٪ از شرکت های نمونه می باشد. فیرفیلد و دیگران^{۱۹} (۱۹۹۶) در تحقیق خود با عنوان تاثیر گزارش اجزای سود بر افزایش توان پیش بینی سود، تلاش نمودند تا اثر گزارش اجزای سود در امر پیش بینی

در مورد چرخش موسسات حسابرسی تجارب مراجع حرفه ای و بورس های اوراق بهادار است. با توجه به مطالب یادشده می توان نتیجه گرفت که پدیده چرخش حسابرسان مانند تیغ دو لبه ای است که هم می تواند موجبات حفظ استقلال و افزایش کیفیت خدمات حسابرسی را فراهم آورد و هم می تواند فلسفه وجودی حسابرسی را متزلزل کند. سودی که ناشی از فعالیت های غیر عادی و غیر مترقبه نباشد از پایداری بیشتری برخوردار است. به عبارت دیگر قابلیت دوام و تکرار پذیری سود به عنوان پایداری سود تعریف میشود.

به دنبال تحقیق پیر و اندرسون^۹ (۱۹۸۴) به دلیل اینکه احتمال اشتباه در سالهای ابتدایی انجام عملیات حسابرسی نسبت به سالهای بعد بیشتر است. احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه حسابرسان در همین سنوات افزایش می یابد. به طور مشابه، پس از بررسی ۴۰۶ مورد از شکست های حسابرسی، کمیته کنترل کیفیت انجمن حسابداران خبره آمریکا (۱۹۹۲)، نتیجه گرفت که شکست های حسابرسی اغلب طی دو سال اول رخ می دهند (جنکینز و ولوری، ۲۰۰۸، جانسون و همکاران^{۱۰} (۲۰۰۲) نیز دریافته اند، رابطه کوتاه مدت حسابرسان و صاحبکار با کاهش در کیفیت گزارش های مالی همراه است. همچنین نتایج تحقیقات والکر و همکاران^{۱۱} (۲۰۰۱) نشان می دهد که شکست های حسابرسی در روابط طولانی حسابرسان و صاحبکار کمتر است. الیتزور و فالک^{۱۲} (۱۹۹۶) و دیز و ژيرو^{۱۳} (۱۹۹۲) دریافته اند که کیفیت حسابرسی بطور منفی تحت تاثیر سیاست چرخش اجباری حسابرسان است. لنوکس^{۱۴} (۱۹۹۸) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که تغییر حسابرسان، دقت و صحت گزارشات حسابرسان را کاهش می دهد. یافته های فوق را می توان مطابق با تئوری یادگیری در روانشناسی تفسیر کرد. بر این اساس افزایش دانش تخصصی در ارتباط با مشتری و انجام یک حسابرسی موثر زمان بر است. با افزایش سال های ماندگاری حسابرسان در یک شرکت، دانش وی از آن شرکت بیشتر شده و می داند که برای حسابرسی آن باید روی چه موضوعاتی توجه خاص بنماید. با این وجود تفاسیر دیگری نیز در این زمینه وجود دارد. یک تفسیر آن است که حسابرسان در سال های اولیه حسابرسی (به

را مورد بررسی و آزمون قرار دهند. فرضیه اصلی تحقیق آنها به این شرح بود:

«با تفکیک سود به اجزای تعیین شده، می‌توان پیش

بینی بهتری از سود به عمل آورد»

فرضیه‌های فرعی این تحقیق نشأت گرفته از فرضیه اصلی است و برای مثال، یکی از آنها به شرح زیر است:

«با تفکیک سود عملیاتی مستمر از سایر اقلام تاثیر گذار بر سود خالص، توان پیش‌بینی سود افزایش می‌یابد»

نتایج تحقیق مذکور نشان داد که، بار اطلاعاتی اضافی اجزای سود به اقلام غیر مترقبه و فعالیت‌های متوقف، محدود نمی‌شود، تفکیک اقلام خاص از سود عملیاتی مستمر و سود غیر عملیاتی از سود عملیاتی، پیش‌بینی سود را بهبود می‌بخشد و با تفکیک سود به سود عملیاتی، سود غیر عملیاتی و مالیات و مالیات بر درآمد، اقلام خاص، اقلام غیر مترقبه و عملیات متوقف، قدرت پیش‌بینی سود افزایش می‌یابد.

مطالعه رفتار هزینه نه تنها برای محققان آکادمیک بلکه برای آنهایی که فعالیت‌های حرفه‌ای شان مستقیماً با فعالیت‌های شرکت در ارتباط است، دارای اهمیت است. در مدل رایج رفتار هزینه که در ادبیات حسابداری معمولاً پذیرفته شده است، هزینه‌ها بر حسب تغییرات در سطح فعالیت به عنوان ثابت و متغیر در نظر گرفته می‌شوند. در این مدل هزینه‌های متغیر به نسبت با تغییرات در محرک فعالیت در نوسان هستند (بالاک ریشان و دیگران^{۲۰}، ۲۰۰۸) با این پیش‌فرض که اندازه تغییر در هزینه‌ها تنها به میزان تغییر در سطح فعالیت بستگی دارد و نه به مسیر تغییر. اما برخی نویسندگان مانند نورن و سودرستورم^{۲۱} (۱۹۹۸) معتقد هستند هزینه‌ها با افزایش حجم فعالیت افزایش بیشتری دارند نسبت به کم شدن شان به علت کاهش حجم فعالیت‌ها. این نوع از رفتار هزینه توسط اندرسون و دیگران^{۲۲} (۲۰۰۳)، به «هزینه‌های چسبنده» معروف شدند. به اعتقاد اندرسون و دیگران، هزینه‌ها هنگامی چسبنده هستند که مقدار افزایش در هزینه‌های مرتبط با افزایش حجم بزرگتر از میزان کاهش هزینه‌های مرتبط با همان مقدار کاهش در حجم است. برخی از متخصصان حسابداری مدیریت معتقدند که هزینه‌ها در واقع نه متغیر هستند و نه ثابت

(اینگرام و دیگران^{۲۳}، ۱۹۹۷). همچنین ارتباط بین هزینه‌های ثابت و متغیر و سطح فعالیت در دامنه مربوط معتبر است. (هورن گران و دیگران^{۲۴}، ۲۰۰۰).

اساس اغلب تصمیمات مدیریتی بر علم به این است که هزینه‌ها چگونه می‌توانند به عنوان یک تابع سطح فعالیت تغییر کنند. مدیرانی که چگونگی رفتار هزینه را درک می‌کنند برای پیش‌بینی روند هزینه‌ها در موقعیت‌های عملیاتی مختلف، شرایط بهتری دارند. این وضعیت به آنها امکان می‌دهد فعالیت‌های خود و در نتیجه درآمدهای عملیاتی خود را بهتر برنامه‌ریزی کنند. همان گونه که گریسون و نورن^{۲۵} (۲۰۰۲) به آن اشاره دارند تلاش برای تصمیم‌گیری بدون دانش کامل درباره هزینه‌های مرتبط و چگونگی تغییر آنها به نسبت فعالیت ممکن است به فاجعه منجر شود.

ابراهیم^{۲۶} (۲۰۰۱) تحقیقی در مصر در مورد کیفیت حسابرسی، دوره تصدی حسابرس، نفوذ صاحبکار و مدیریت سود انجام داد. این تحقیق مدارکی در مورد اثر کیفیت حسابرسی بر مدیریت سود فراهم می‌کند. در این تحقیق از جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی گزارش شده در صورت جریان وجه نقد و برآورد اقلام تعهدی استفاده شده است. همچنین برای برآورد اقلام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل شده جونز در یک سری زمانی استفاده شده است. نتایج تحقیق مدارکی را مورد ارتباط معکوس بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود ارائه می‌دهد. نتایج نشان می‌دهد که دوره تصدی حسابرس برخی تأثیرات مثبت بر روی کارایی فرایند حسابرسی و بهبود عملکرد کنترلی فرض شده برای حسابرسان دارد. همچنین نتایج تحقیق نشان می‌دهد که نفوذ صاحبکار نمی‌تواند بر استقلال حسابرس اثر گذاشته و یا این که حسابرسان به صاحبکاران بزرگ خود اجازه دهند که اختیارات بیشتری در گزارشگری سود داشته باشند.

احمد^{۲۷} (۲۰۰۷) نیز به بررسی عوامل موثر بر خطای پیش‌بینی سود شرکت‌های دارای عرضه اولیه سهام در بورس داکا (پایتخت بنگلادش) پرداخته است. نمونه‌وی شامل ۲۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس داکا برای سالهای ۱۹۹۰-۲۰۰۶ بود. متغیرهای مورد بررسی این

بالاتر باشد در آن صورت رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود ضعیف تر می شود.

زی^{۳۰} (۲۰۰۹-۲۰۰۸) در پی یافتن مدل های جدیدی برای پیش بینی سود و توسعه مدل های موجود پرداخت او بیان داشت که یک ضربه مهم که به پیش بینی درآمد وارد می شود مربوط به تاثیر ورود عوامل شخصی در پراکندگی پیش بینی ها است. او لزوم خالص سازی تاثیر تجزیه و تحلیل های شخصی را در مورد گزارشهای پیش بینی سود بیان داشت او در پژوهش های خود به توسعه و ارائه مدل هایی جهت استاندارد کردن پیش بینی سود پرداخت.

لانگ چن^{۳۱} (۲۰۱۰) در مقاله هموارسازی سود تقسیمی و توان پیش بینی بیان می کند که اگرچه درپیش بینی تغییرات قیمت سهام، سیاست تقسیم سود یک عامل نامربوط محسوب می شود، اما برای پیش بینی رشد سود تقسیمی، از سیاست تقسیم سود به عنوان یک عامل مهم یاد می شود. از این رو نبود توانایی جهت پیش بینی رشد سودهای تقسیمی در دوره بعد، ارتباطی با رابطه جریان های نقدی و انحرافات قیمت ندارد. شواهد نشان داد که بین اطلاعات مربوط به جریان های نقدی و انحرافات قیمت رابطه مهمی وجود دارد و چنانچه سیاست تقسیم سود شرکت به هموارسازی سود تقسیمی منجر شود، سودهای تقسیمی نمی توانند پیش بینی خوبی از جریان های نقدی ارائه دهند.

محسن خوش طینت و مهدی رضایی (۱۳۸۵) به بررسی نقش سود و ارزش دفتری در ارزیابی قیمت سهام و تعیین رابطه آن با سود پیش بینی شده پرداختند. آنها در این پژوهش به بررسی رابطه بین قدرت سود سال جاری در توجیه قیمت سهام با انحراف در پیش بینی سود به طور همزمان و همچنین ارزش دفتری سهام در توجیه قیمت سهام با انحراف در پیش بینی سود به طور همزمان پرداختند. در این پژوهش قیمت سهام، ارزش دفتری هر سهم، سودخالص هر سهم و سود پیش بینی شده هر سهم و سود عملیاتی هر سهم بود. آنها با استفاده از مدل رگرسیون به آزمون فرضیات خود پرداختند و نتیجه پژوهش آنها چنین بود با افزایش انحراف در پیش بینی سود از میزان همبستگی سود با قیمت کاسته می شود.

پژوهش که به نظر می رسد بر خطای پیش بینی سود موثر باشند شامل: نسبت سود خالص به فروش، اهرم مالی، افق زمانی پیش بینی، سهام تحت تملک مدیران، سهام عرضه شده به عموم، شرایط رونق اقتصادی، اعتبار پذیره نویسان، اعتبار حسابرسی و عمر شرکت بود. با استفاده از تحلیل رگرسیون چند متغیره، نتایج وی بیان کننده این بود که بین شرایط رونق اقتصادی و خطای پیش بینی سود رابطه مثبت وجود داشت. سایر متغیرهای مورد بررسی حتی در سطح اطمینان ۹۰ درصد نیز معنی دار نبودند.

دیویس و همکاران^{۳۲} (۲۰۰۹) در تحقیقی که برای نشان دادن ارتباط میان دوران تصدی حسابرسی و توانایی پیش بینی سود انجام دادند به این نتیجه رسیدند که رابطه معکوسی میان این دو وجود دارد یعنی هرچه دوران تصدی حسابرسی افزایش یابد توانایی پیش بینی سود در شرکت مورد نظر کاهش می یابد.

مایرز و همکاران (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند که بالا بودن دوره تصدی گری حسابرسی موجب شناخت و تخصص حسابرسی در صنعت صاحبکار مربوطه میشود و هر چه دوره تصدی حسابرسی بیشتر باشد کیفیت و پایداری سود هم بیشتر می شود.

تحقیقی در امریکا توسط فردیناند و همکارانش^{۳۳} (۲۰۰۹) با عنوان نقش دوره تصدی حسابرسی و تخصص در صنعت حسابرسی در کیفیت سود انجام شده است. این تحقیق نشان می دهد که دوره تصدی کوتاه تر با کیفیت سود پایین تر در ارتباط است. به این دلیل که حسابرسان دانش و تخصص کمتری نسبت به کار صاحبکار خود خواهند داشت. در این تحقیق این موضوع مورد آزمون قرار گرفته است که آیا تخصص در صنعت حسابرسان بر رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و کیفیت سود تأثیر دارد. نتایج این تحقیق نشان می دهد که، هر گاه تخصص در صنعت حسابرسی پایین باشد در آن صورت رابطه بین دوره تصدی حسابرسی بلند تر و کیفیت سود بالاتر قوی تر خواهد بود و بالعکس. پس می توان گفت دوره تصدی حسابرسی بلندتر موقعی همبستگی بالایی با کیفیت سود خواهد داشت که تخصص در صنعت حسابرسی پایین باشد. و همچنین موقعی که تخصص در صنعت حسابرسی

یعنی در شرایطی که انحراف سود پیش‌بینی شده کم باشد، بازار سود را به عنوان شاخص مناسبی جهت سودهای آتی تلقی می‌کند و لذا سود برای توجیه قیمت سهام توان بیشتری دارد ولی در شرایطی که انحراف از سود پیش‌بینی شده زیاد است، بازار از میزان اتکاء خود به سود به عنوان عاملی تاثیر گذار می‌کاهد و سهام، کمتر تحت تاثیر سود قرار می‌گیرد و سایر شاخص‌های بازار، جایگزین کاهش اتکاء به سود در بازار می‌شود.

حساس یگانه و بهبهانی (۱۳۸۶) نشان داده‌اند که افزایش مدت تصدی حسابرِس باعث میشود که احتمال تغییر بین موسسات حسابرِس کوچک کاهش یابد. به لحاظ دور بودن محتوای چنین تحقیقاتی از موضوع این مقاله از ذکر آنها اجتناب می‌گردد.

آمنه بذرافشان و غلامرضا کرمی و امیر محمدی ۱۳۹۰ در تحقیقی با عنوان "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و مدیریت سود" که نتایج آن به صورت خلاصه بدین گونه می‌باشد: این مطالعه رابطه میان طول دوره تصدی حسابرِس و میزان مدیریت سود را در مورد ۱۳۳ شرکت از شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۵ مورد بررسی قرار میدهد. در این تحقیق ابتدا رابطه میان دوره تصدی حسابرِس و قدرمطلق اقلام تعهدی اختیاری به عنوان انعطاف‌پذیری در مدیریت سود مورد آزمون قرار گرفته است که نتایج نشان میدهد با افزایش دوره تصدی حسابرِس، انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش می‌یابد. سپس در بررسی رابطه میان دوره تصدی و سطح اقلام تعهدی اختیاری، نتایج به رابطه منفی معناداری رسیده که بیانگر این ادعا است که مدیریت از انعطاف‌پذیری به وجود آمده در جهت منفی استفاده میکند. بنابراین با توجه به یافته‌های این تحقیق میتوان گفت وجود رابطه طولانی مدت میان صاحبکار و حسابرِس، باعث افزایش انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری میگردد؛ اما این استفاده بیشتر در جهت کاهش سود (محافظه کارانه) است.

محسن خوش‌طینت و مهدی رضایی (۱۳۸۵) به بررسی نقش سود و ارزش دفتری در ارزیابی قیمت سهام و تعیین رابطه آن با سود پیش‌بینی شده پرداختند. آنها

در این پژوهش به بررسی رابطه بین قدرت سود سال جاری در توجیه قیمت سهام با انحراف در پیش‌بینی سود به طور همزمان و همچنین ارزش دفتری سهام در توجیه قیمت سهام با انحراف در پیش‌بینی سود به طور همزمان پرداختند. در این پژوهش قیمت سهام، ارزش دفتری هر سهم، سودخالص هر سهم و سود پیش‌بینی شده هر سهم و سود عملیاتی هر سهم بود. آنها با استفاده از مدل رگرسیون به آزمون فرضیات خود پرداختند و نتیجه پژوهش آنها چنین بود با افزایش انحراف در پیش‌بینی سود از میزان همبستگی سود با قیمت کاسته می‌شود. یعنی در شرایطی که انحراف سود پیش‌بینی شده کم باشد، بازار سود را به عنوان شاخص مناسبی جهت سودهای آتی تلقی می‌کند و لذا سود برای توجیه قیمت سهام توان بیشتری دارد ولی در شرایطی که انحراف از سود پیش‌بینی شده زیاد است، بازار از میزان اتکاء خود به سود به عنوان عاملی تاثیر گذار می‌کاهد و سهام، کمتر تحت تاثیر سود قرار می‌گیرد و سایر شاخص‌های بازار، جایگزین کاهش اتکاء به سود در بازار میشود.

۳- فرضیه های پژوهش

با توجه به اهداف تحقیق و ادبیات نظری، فرضیه های زیر تبیین یافته است:

- ۱) بین دوره تصدی حسابرِس با توانایی پیش‌بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۲) بین دوره تصدی حسابرِس با خطای پیش‌بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۳) بین دوره تصدی حسابرِس با رشد شرکت رابطه معنی داری وجود دارد.
- ۴) بین دوره تصدی حسابرِس با رشد سود هر سهم رابطه معنی داری وجود دارد.

۴- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف از نوع تحقیقات کاربردی می‌باشد. و همچنین از نظر روش جمع‌آوری داده‌ها از نوع تحقیق توصیفی - همبستگی است. انجام پژوهش در چارچوب استدلال‌ات قیاسی - استقرایی صورت خواهد گرفت. بدین ترتیب که مبانی نظری و پیشینه پژوهش از

۵- متغیرهای پژوهش و شیوه محاسبه آنها

متغیر دوره تصدی حسابرس متغیر مستقل و متغیرهای توانایی پیش بینی سود، خطای پیش بینی سود، رشد سود هر سهم و رشد شرکت متغیر وابسته می باشند. **اندازه گیری دوره تصدی:** در این تحقیق برای اندازه گیری دوره تصدی تعداد سالهایی که یک حسابرس، حسابرسی یک شرکت را برعهده داشته است در نظر گرفته شده است.

توانایی پیش بینی سود: زمانی که ارقام تاریخی سود توان پیش بینی سودهای آتی را دارا باشد، امکان ارزیابی سودآوری آتی و چشم انداز آتی جریان نقدی فراهم می شود. در این شرایط فرض می شود، سود از کیفیت بالایی برخوردار است.

$$\Delta E_{it+1} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{it} + \alpha_2 \Delta E_{it} + \varepsilon_{it}$$

جایی که، ΔE_{it+1} تغییر در سود خالص یک سال بعد شرکت، E_{it} سود خالص شرکت، ΔE_{it} تغییر در سود خالص شرکت و α_0 ، α_1 ، α_2 ضرایب رگرسیون و ε_{it} مقدار جزء اخلاص (باقیمانده رگرسیون) است.

خطای پیش بینی سود: از تفاوت بین سود واقعی منهای سود پیش بینی شده تقسیم بر قیمت سهم در روز آخر سال مالی بدست می آید.

در این پژوهش برای استاندارد کردن خطای پیش گویی سود از مدل راجر جی بست و رانولد بست که در سال ۲۰۰۲ مورد استفاده قرار گرفته استفاده شده است: خطاهای پیش گویی به صورت استاندارد

$$FE = \frac{|YEPS_{t-1} - FORE_{t-1}|}{P_{t-1}}$$

که در آن:

$t-1$ دلالت بر سال مالی قبل از آگهی اعلام سود سهام می باشد.

$$YEPS_{t-1} = \text{درآمد واقعی برای سال } t-1$$

پیش بینی متوسط درآمد در دسترس در ماه آخر سال

$$FORE_{t-1} = \text{مالی } t-1$$

$$P_{t-1} = \text{قیمت سهم در روز آخر سال مالی } t-1$$

راه مطالعات کتابخانه ای، مقالات و سایت ها در قالب قیاسی و گردآوری اطلاعات برای تایید و رد فرضیه ها به صورت استقرایی انجام گرفته است.

جامعه آماری تحقیق حاضر، شامل کلیه شرکت های منتخب پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشند که باید دارای شرایط زیر باشند:

(۱) در سال ۱۳۸۲ یا قبل از آن در بورس بهادار تهران پذیرفته شده باشند.

(۲) جزء شرکت های تولیدی باشند.

(۳) سال مالی شرکت ها طی کل دوره قلمرو زمانی تحقیق به ۲۹ اسفند ختم شوند.

(۴) در دوره زمانی تحقیق تغییر در سال مالی نداشته باشند.

(۵) در دوره زمانی مورد مطالعه وقفه معاملاتی نداشته باشند.

با توجه به محدودیت های اعمال شده حجم جامعه مورد مطالعه به ۱۱۷ شرکت رسید

قلمرو این تحقیق از نظر زمانی هفت سال یعنی بین سالهای ۱۳۸۴ تا پایان ۱۳۹۰ می باشد و از نظر مکانی، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد.

یکی از ضروریات هر مطالعه و پژوهش اطلاعات مربوط و قابل اتکا، سرعت و سهولت دسترسی به آن می باشد. مباحث تئوریک این پژوهش از مسیر مطالعه منابع، نشریات، منابع داخلی و خارجی موجود در کتابها و استفاده از اینترنت جمع آوری شده است. جمع آوری اطلاعات با استفاده از اطلاعات اولیه شرکتها بوده است؛ یعنی اطلاعات و داده های مورد نیاز تحقیق کلاً از روش کتابخانه ای، با استفاده از نرم افزار ره آورد نوین و با مراجعه به سازمان بورس اوراق بهادار تهران و مطالعه صورت های مالی اساسی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سالهای ۱۳۸۳ - ۱۳۸۹ بدست آمده اند. در این باره علاوه بر مطالعه صورت های مالی اساسی، اطلاعات مربوط به صورت های مالی از سایت اطلاعاتی بورس^{۳۲} مورد استفاده قرار گرفته است.

رشد سود هر سهم (GEPS) :

$$GEPS = \frac{EPS_1 - EPS_0}{EPS_0}$$

که در آن:

EPS_1 سود واقعی هر سهم در پایان دوره مالی جاری .
 EPS_0 سود واقعی هر سهم در پایان دوره مالی گذشته
 سود هر سهم برابر است با سود متعلق به سهامداران
 عادی تقسیم به تعداد سهام سرمایه .

رشد شرکت:

$$G_i = \frac{MV_i + BV_i}{BVTA_i}$$

G_i = رشد شرکت i در زمان t

MV_i = ارزش بازار شرکت i در زمان اعلام سود سهام

BV_i = ارزش دفتری کل بدهی های شرکت i در زمان اعلام سود سهام

$BVTA_i$ = ارزش دفتری کل داراییهای شرکت i در زمان اعلام سود سهام

۶- نتایج پژوهش

در این مرحله محقق، پس از تعیین و محاسبه متغیرهای مستقل و وابسته، به آزمون فرضیات تحقیق و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌پردازد. ابتدا وجود رابطه همبستگی بین متغیر وابسته و متغیر مستقل را مورد آزمون قرار داده و سپس از روش رگرسیون جهت تعیین رابطه ریاضی بین متغیرهای مستقل و وابسته استفاده می‌گردد. در واقع، تجزیه و تحلیل رگرسیون کمک می‌کند تا رابطه خطی بین متغیرها را در صورت وجود چنین رابطه‌ای پیدا کنیم. در مرحله پایانی برای تعیین میزان ارتباط بین متغیر وابسته و متغیر مستقل در تحقیق از معیار همبستگی استفاده شده است. جهت اجتناب از محاسبه آماره‌های متناظر در جدول t ، نرم افزار SPSS مقدار احتمال^{۳۳} را محاسبه و ارائه می‌نماید که از آن می‌توان برای رد یا تأیید فرض صفر استفاده نمود. همچنین لازم به ذکر است که آزمون رابطه غیرخطی بین متغیرهای تحقیق انجام شده و با توجه به آماره F آزمون، به این نتیجه رسیدیم که رگرسیون خطی بهترین برازش را از

متغیرهای مدل ارائه می‌کند.

بررسی فرض نرمال بودن متغیرها

از آن جایی که نرمال بودن متغیر وابسته به نرمال بودن باقیمانده های مدل می انجامد؛ لازم است قبل از برازش مدل، نرمال بودن آن کنترل شود. فرض صفر و فرض مقابل آزمون نرمالیتی به صورت زیر است:

H_0 : توزیع داده ها نرمال است

H_1 : توزیع داده ها نرمال نیست

جهت آزمون فرض بالا از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. در این آزمون هر گاه سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵ باشد فرض صفر در سطح ۰/۰۵٪ اطمینان رد می‌شود.

با توجه به نگاره ۱ چون سطح معنی داری (Sig) متغیر وابسته از ۰/۰۵ کوچکتر می‌باشد، فرض H_0 رد و فرض H_1 پذیرفته می‌شود، یعنی داده ها از توزیع نرمال پیروی نمی‌کنند. برای نرمال کردن متغیرها از تبدیل ریاضی (لگاریتم توان دو) استفاده می‌شود. آزمون زیر فرض نرمال بودن متغیرهای تبدیل شده را بررسی می‌کند.

با توجه به نگاره ۲ چون سطح معنی داری (Sig) در متغیرها از ۰/۰۵ بزرگتر است، فرض H_0 پذیرفته و فرض H_1 رد می‌شود. به دیگر سخن دیگر داده ها دارای توزیع نرمال می‌باشند. بنابراین فرض نرمال بودن متغیرهای این فرضیه پذیرفته می‌شود.

نگاره ۱ آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (K-S)

تغییر در سود خالص	رشد شرکت	خطای پیش بینی سود	رشد سود هر سهم	شرح
۷۰۲	۶۹۷	۶۹۷	۶۴۴	تعداد داده ها
-۷۴۵۱/۳۶۷۵	۶۶۹۷۸۹/۴۸۲۰	۰/۰۹۰۹	۱/۳۰۹۵	میانگین
۳۵۲۱۱۱/۴۰۱۸۷	۶۲۹۶۴۳/۵۸۰۲۶	۰/۱۸۸۲۸	۲۷/۰۱۵۹۶	انحراف معیار
۰/۳۲۳	۰/۱۶۲	۰/۳۱۵	۰/۴۳۱	قدر مطلق بیشترین انحرافات
.323	.162	.239	.431	بیشترین انحراف مثبت
-318	-154	-315	-409	بیشترین انحراف منفی
8.548	4.273	8.306	10.929	مقدار آماره Z
.000	.000	.000	.000	سطح معنی داری

نگاره ۲ آزمون کولموگوروف - اسمیرنوف (مقادیر تبدیل شده)

لگاریتم تغییر در سود خالص	لگاریتم رشد شرکت	لگاریتم خطای پیش بینی سود	لگاریتم رشد سود هر سهم	شرح
657	697	697	641	تعداد داده ها
19.9169	26.1202	-7.0827	-1.8932	میانگین
3.70990	1.72663	3.44237	3.07773	انحراف معیار
.044	.022	.061	.083	قدر مطلق بیشترین انحرافات
.039	.011	.040	.083	بیشترین انحراف مثبت
-.044	-.022	-.061	-.052	بیشترین انحراف منفی
1.123	.593	1.613	2.102	Z مقدار آماره
.160	.873	.091	.211	سطح معنی داری

آزمون فرضیه ها

آزمون فرضیه اول - بین دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد .
نگاره ۳ متغیرهای مستقل وارد شده ، متغیرهای حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .
روش Enter رویکردی در انتخاب متغیرهاست که در آن کلیه متغیرهای وارد شده در یک مرحله در تعیین رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرند .

نگاره ۴ به ترتیب ضریب همبستگی بین دوران تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل و توانایی پیش بینی سود به عنوان متغیر وابسته برابر ۰/۳۰۵ است ، ضریب تعیین (میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می تواند بوسیله رگرسیون آن را توضیح داد) ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین را ارائه می کند .

نگاره ۳ متغیرهای مستقل وارد شده / متغیرهای حذف شده

روش	متغیرهای حذف شده	متغیرهای وارد شده	مدل
Enter	.	Audittenurea	1

نگاره ۴ - ضریب همبستگی ، ضریب تعیین و آزمون دوربین - واتسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

آماره دوربین - واتسون	خطای معیار تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
1.849	3.69217	.191	.211	.305a	1

نگاره ۵ تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
.007a	7.316	99.734	1	99.734	رگرسیون
		13.632	655	8929.015	باقیمانده
			656	9028.750	کل

اندازه گیری مناسب مدل رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرد. برای بررسی معنی داری ضرایب متغیرهای مستقل از آماره t استفاده شده است.

با توجه به نگاره ۶ آماره t برای متغیر (دوره تصدی حسابرس)، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد، که مقادیر P-Value بدست آمده در ستون مربوطه گواه بر این مدعا می باشد.

در ستون عامل تورم واریانس (VIF) تمامی مقادیر کمتر از ۵ می باشد که نشان از عدم هم خطی میان متغیرهای مستقل است. در ستون ضرایب (B) به ترتیب مقدار ثابت و ضریب متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون ارائه شده است.

معادله رگرسیون به صورت زیر می باشد:

$$\Delta E_{it+1} = 18.875 + .367 \text{ AUDITTENURE}$$

همان طور که از آماره t پیداست ارتباط بین دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش بینی سود به صورت مستقیم می باشد یعنی هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد توانایی پیش بینی سود شرکت نیز بالا می رود و بالعکس.

آماره آزمون دوربین - واتسون برابر ۱.۸۴۹ است که در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد، فرض عدم همبستگی بین خطاها رد نمی شود و بنابراین می توان از رگرسیون استفاده کرد. نگاره ۵ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست.

در نگاره ۵ سطح معنی داری کوچکتر از ۵ درصد می باشد، پس فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید می شود.

نگاره ۵ شامل تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین دو متغیر است آماره F از تقسیم میانگین مربعات رگرسیون بر میانگین مربعات باقیمانده بدست می آید. در نگاره ۵ آماره F برابر ۷/۳۱۶ حاکی از معنی دار بودن رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ است. مقدار P-Value بدست آمده گواه بر این مدعاست. بنابراین فرض H_0 رد می شود و وجود رابطه معنی دار دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش بینی سود تایید می شود.

آزمون های مربوط به هر یک از ضرایب رگرسیون یکی از آزمونهای واقعی فرضیه ها درباره پارامترهای مدل برای

نگاره ۶ ضرایب معادله رگرسیون

مدل	علامت اختصاری	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t آماره	سطح معنی داری	همخطی آماری	
		B	خطای معیار B ضریب ستون	Beta			عامل تورم واریانس	تلورانس
1	(ثابت)	18.875	.411		45.898	.000		
	دوره تصدی حسابرس	.367	.136	.105	2.705	.007	1.000	1.000

آزمون فرضیه دوم- بین دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد .
 برای آزمون فرضیه با این شاخص نتیجه آزمون ، شامل چهار خروجی می باشد .
 نگاره ۷ متغیرهای مستقل وارد شده ، متغیرهای حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .
 روش Enter رویکردی در انتخاب متغیرهاست که در آن کلیه متغیرهای وارد شده در یک مرحله در تعیین رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرند .
 نگاره ۸ به ترتیب ضریب همبستگی بین دوران تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل و خطای پیش بینی سود به عنوان متغیر وابسته برابر ۰/۵۲۲ است ، ضریب تعیین (میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می تواند بوسیله رگرسیون آن را توضیح داد) ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین را ارائه می کند .

آماره آزمون دوربین - واتسون برابر ۱.۷۷۲ است که در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد ، فرض عدم خود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و بنابراین می توان از رگرسیون استفاده کرد .
 نگاره ۹ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون ، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست .
 نگاره ۹ شامل تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین دو متغیر است . آماره F از تقسیم میانگین مربعات رگرسیون بر میانگین مربعات باقیمانده بدست می آید . در نگاره ۹ آماره F برابر ۴/۸۶۱ حاکی از معنی دار بودن رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ است . مقدار P-Value بدست آمده گواه بر این مدعاست . بنابراین فرض H_0 رد می شود و وجود رابطه معنی دار دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود تایید می شود . در نگاره ۹ سطح معنی داری کوچکتر از ۵ درصد می باشد ، پس فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید می شود .

نگاره ۷ متغیرهای مستقل وارد شده / متغیرهای حذف شده

روش	متغیرهای حذف شده	متغیرهای وارد شده	مدل
Enter	.	Audittenturea	1

نگاره ۸ ضریب همبستگی ، ضریب تعیین و آزمون دوربین - واتسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

آماره دوربین - واتسون	خطای معیار تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
1.772	3.44402	.345	.367	.522a	1

نگاره ۹ تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
.006a	4.861	13.907	1	13.907	رگرسیون
		2.861	695	8243.608	باقیمانده
			696	8257.515	کل

نگاره ۱۰ ضرایب معادله رگرسیون

مدل	علامت اختصاری	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t آماره	سطح معنی داری	همخطی آماری	
		B	B خطای معیار ضریب ستون	Beta			عامل تورم واریانس	تلورانس
1	(ثابت)	-6.884	.369		-18.638	.000		
	دوره تصدی حسابرس	-.702	.122	-.218	-5.754	.002	1.000	1.000

خروجی اول متغیرهای مستقل وارد شده متغیر های حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .

روش Enter رویکردی در انتخاب متغیرهاست که در آن کلیه متغیرهای وارد شده در یک مرحله در تعیین رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرند .

نگاره ۱۲ به ترتیب ضریب همبستگی بین دوران تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل و رشد شرکت به عنوان متغیر وابسته برابر ۰/۴۷۵ است ، ضریب تعیین (میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می تواند بوسیله رگرسیون آن را توضیح داد) ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین را ارایه می کند .

آماره آزمون دوربین - واتسون برابر ۱.۵۵۵ است که در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد ، فرض عدم خود همبستگی بین خطاها رد نمی شود و بنابراین می توان از رگرسیون استفاده کرد.

نگاره ۱۳ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون ، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست .

در نگاره ۱۳ سطح معنی داری کوچکتر از ۵ درصد می باشد، پس فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید می شود .

با توجه به نگاره ۱۰ آماره t برای متغیر(دوره تصدی حسابرس) ، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد ، که مقادیر P-Value بدست آمده در ستون مربوطه گواه بر این مدعا می باشد .

در ستون عامل تورم واریانس (VIF) تمامی مقادیر کمتر از ۵ می باشد که نشان از عدم هم خطی میان متغیرهای مستقل است . در ستون ضرایب (B) به ترتیب مقدار ثابت و ضریب متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون ارائه شده است.

معادله رگرسیون به صورت زیر می باشد :

$$FE = -6.884 - .702 \text{ AUDIT TENURE}$$

همان طور که از آماره t پیداست ارتباط بین دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود به صورت معکوس می باشد یعنی هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد خطای پیش بینی سود شرکت کمتر می گردد و بالعکس .

آزمون فرضیه سوم- بین دوره تصدی حسابرس با رشد شرکت رابطه معنی داری وجود دارد .

نگاره ۱۱ متغیرهای مستقل وارد شده ، متغیر های حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .

نگاره ۱۱ متغیرهای مستقل وارد شده / متغیرهای حذف شده

روش	متغیرهای حذف شده	متغیرهای وارد شده	مدل
Enter	.	Audittenurea	1

نگاره ۱۲ ضریب همبستگی ، ضریب تعیین و آزمون دوربین - واتسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

آماره دوربین - واتسون	خطای معیار تخمین	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	ضریب همبستگی	مدل
1.555	1.72302	.204	.256	.475a	1

نگاره ۱۳ تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی داری	F آماره	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
.018a	5.631	11.650	1	11.650	رگرسیون
		2.069	695	2063.311	باقیمانده
			696	2074.961	کل

که مقادیر P-Value بدست آمده در ستون مربوطه گواه بر این مدعا می باشد .

در ستون عامل تورم واریانس (VIF) تمامی مقادیر کمتر از ۵ می باشد که نشان از عدم هم خطی میان متغیرهای مستقل است . در ستون ضرایب (B) به ترتیب مقدار ثابت و ضریب متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون ارائه شده است.

معادله رگرسیون به صورت زیر می باشد :

$$G = 25.778 + .321 \text{ AUDITTENURE}$$

همان طور که از آماره t پیداست ارتباط بین دوره تصدی حسابرسان با رشد شرکت به صورت مستقیم می باشد یعنی هر چه دوره تصدی حسابرسان بیشتر باشد رشد شرکت نیز بالا می رود و بالعکس.

نگاره ۱۳ شامل تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین دو متغیر است . طبق این خروجی $F=5/631$ و همچنین سطح معنی داری $0/018$ و کوچکتر از $0/05$ می باشد. بنابراین در سطح $\alpha=0/05$ رابطه معنی داری بین متغیر وابسته (رشد شرکت) با متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرسان) وجود دارد.

در نگاره ۱۳ آماره F برابر $5/631$ حاکی از معنی دار بودن رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ است. مقدار P-Value بدست آمده گواه بر این مدعاست . بنابراین فرض H_0 رد می شود و وجود رابطه معنی دار دوره تصدی حسابرسان با رشد شرکت تایید می شود .

با توجه به نگاره ۱۴ آماره t برای متغیر (دوره تصدی حسابرسان) ، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار می باشد،

نگاره ۱۴ ضرایب معادله رگرسیون

مدل	علامت اختصاری	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	آماره t	سطح معنی داری	همخطی آماری	
		B	خطای معیار B ضریب ستون	Beta			تلورانس	عامل تورم واریانس
1	(ثابت)	25.778	.185		139.493	.000		
	دوره تصدی حسابرسان	.321	.061	.075	5.262	.005	1.000	1.000

نگاره ۱۵ متغیرهای مستقل وارد شده / متغیرهای حذف شده

مدل	متغیرهای وارد شده	متغیرهای حذف شده	روش
1	Audittenurea	.	Enter

نگاره ۱۶ ضریب همبستگی ، ضریب تعیین و آزمون دوربین-واتسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

مدل	ضریب همبستگی	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای معیار تخمین	آماره دوربین - واتسون
1	.594a	.349	.307	3.06643	1.570

خروجی اول متغیرهای مستقل وارد شده متغیرهای حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .

روش Enter رویکردی در انتخاب متغیرهاست که در آن کلیه متغیرهای وارد شده در یک مرحله در تعیین رگرسیون مورد استفاده قرار می گیرند .

آزمون فرضیه چهارم - بین دوره تصدی حسابرسان با رشد سود هر سهم رابطه معنی داری وجود دارد .

نگاره ۱۵ متغیرهای مستقل وارد شده ، متغیرهای حذف شده و روش مورد استفاده در تعیین رگرسیون را نشان می دهد .

می‌شود و وجود رابطه معنی‌دار دوره تصدی حسابرس با رشد سود هر سهم تایید می‌شود.

با توجه به نگاره ۱۸ آماره t برای متغیر (دوره تصدی حسابرس)، در سطح اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار می‌باشد، که مقادیر P-Value بدست آمده در ستون مربوطه گواه بر این مدعا می‌باشد.

در ستون عامل تورم واریانس (VIF) تمامی مقادیر کمتر از ۵ می‌باشد که نشان از عدم هم‌خطی میان متغیرهای مستقل است. در ستون ضرایب (B) به ترتیب مقدار ثابت و ضرایب متغیرهای مستقل در معادله رگرسیون ارائه شده است. معادله رگرسیون به صورت زیر می‌باشد:

$$GEPS = -2.659 + .272 AUDITTENURE$$

همان‌طور که از آماره t پیداست ارتباط بین دوره تصدی حسابرس با رشد سود هر سهم به صورت مستقیم می‌باشد یعنی هر چه دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد رشد سود هر سهم شرکت نیز بالا می‌رود و بالعکس.

نگاره ۱۶ به ترتیب ضریب همبستگی بین دوران تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل و رشد سود هر سهم به عنوان متغیر وابسته برابر ۰/۴۷۵ است، ضریب تعیین (میزان تغییرپذیری در متغیر وابسته که می‌تواند بوسیله رگرسیون آن را توضیح داد) ضریب تعیین تعدیل شده و خطای معیار تخمین را آرایه می‌کند.

آماره آزمون دوربین - واتسون برابر ۱.۵۷۰ است که در بازه ۱.۵ تا ۲.۵ قرار دارد، فرض عدم خود همبستگی بین خطاها رد نمی‌شود و بنابراین می‌توان از رگرسیون استفاده کرد.

نگاره ۱۷ حاوی تحلیل واریانس رگرسیون، به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین متغیرهاست. در نگاره ۱۷ سطح معنی‌داری کوچکتر از ۵ درصد می‌باشد، پس فرض خطی بودن رابطه دو متغیر تایید می‌شود.

نگاره ۱۷ شامل تحلیل واریانس رگرسیون به منظور بررسی قطعیت وجود رابطه خطی بین دو متغیر است. در نگاره ۱۷ آماره F برابر ۵/۷۲۷ حاکی از معنی‌دار بودن رگرسیون در سطح اطمینان ۹۵٪ است. مقدار P-Value بدست آمده گواه بر این مدعاست. بنابراین فرض H_0 رد

نگاره ۱۷ تحلیل واریانس رگرسیون

سطح معنی‌داری	آماره F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
0.017a	5.727	53.850	1	53.850	رگرسیون
		9.403	639	6008.504	باقیمانده
			640	6062.354	کل

نگاره ۱۸ ضرایب معادله رگرسیون

مدل	علامت اختصاری	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استاندارد شده	t آماره	سطح معنی‌داری	همخطی آماری	
		B	خطای معیار B ضریب ستون	Beta			عامل تورم واریانس	تلورانس
1	(ثابت)	-2.659	.342		-7.770	.000		
	دوره تصدی حسابرس	.271	.113	.094	2.393	.017	1.000	1.000

ارزیابی کلی از نتایج آزمون فرضیه ها

آنچه در جمع بندی و نتیجه گیری کلی می توان بیان نمود این است که :

- (۱) با توجه به نتایج حاصله از فرضیه دو تحقیق بین دوره تصدی حسابرِس با خطای پیش بینی سود رابطه ای به صورت معکوس وجود دارد.
- (۲) با توجه به نتایج حاصله از فرضیه های یک ، سه و چهار تحقیق بین دوره تصدی حسابرِس با توانایی پیش بینی سود ، رشد شرکت و رشد سود هر سهم رابطه ای به صورت مستقیم وجود دارد.

۷- نتیجه گیری و بحث

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه اول حاکی از این است که با توجه به آماره F بدست آمده بین توانایی پیش بینی سود با دوره تصدی حسابرِس رابطه معنی داری وجود دارد و میزان سطح معنی داری بدست آمده نیز گواه بر این ادعا می باشد . وهمچنین برای بررسی مستقیم یا معکوس بودن ارتباط بین متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرِس) با متغیر وابسته (توانایی پیش بینی سود) از آماره t استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان دهنده ارتباط مستقیم بین دوره تصدی حسابرِس با توانایی پیش بینی سود می باشد یعنی هر چقدر دوران تصدی یک حسابرِس در یک شرکت بیشتر باشد توانایی پیش بینی سود نیز در این شرکت بیشتر می باشد و هر چقدر دوران تصدی حسابرِس در یک شرکت کمتر باشد توانایی پیش بینی سود نیز در این شرکت ها کاهش خواهد یافت. که تحقیقات (فرث ۱۹۷۸، بانکز و کینی ۱۹۸۲، فالک و ویلسون ۱۹۹۴، چن و چرچ ۱۹۹۶، جونز ۱۹۹۶، جانسون و همکاران ۲۰۰۲، میرز و دیگران، ۲۰۰۳ و تئو ۱۹۹۲)^{۳۴} به نتیجه ای مشابه رسیده اند. و لیکن نتایج تحقیقات (کیم و همکاران ۲۰۰۴) و (چانگ، ۲۰۰۴) مغایر با نتیجه فوق می باشد.

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه دوم حاکی از این است که با توجه به آماره F بدست آمده بین خطای پیش بینی سود با دوره تصدی حسابرِس رابطه معنی داری وجود دارد و میزان سطح معنی داری بدست آمده نیز گواه بر این ادعا می باشد . وهمچنین برای بررسی

مستقیم یا معکوس بودن ارتباط بین متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرِس) با متغیر وابسته (خطای پیش بینی سود) از آماره t استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان دهنده ارتباط معکوس بین دوره تصدی حسابرِس با خطای پیش بینی سود می باشد یعنی هر چقدر دوران تصدی یک حسابرِس در یک شرکت بیشتر باشد خطای پیش بینی سود نیز در این شرکت کمتر می باشد و هر چقدر دوران تصدی حسابرِس در یک شرکت کمتر باشد خطای پیش بینی سود نیز در این شرکت ها بیشتر خواهد بود .

نچل و والستران، ۲۰۰۷ در تحقیقی در بلژیک به عدم رابطه دست یافتند، ولیکن (دیویس و همکاران، ۲۰۰۹) به نتیجه ای مشابه دست یافتند و وجود یک رابطه منفی و معنادار را بین دوره تصدی و خطای پیش بینی سود تایید نمودند.

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه سوم حاکی از این است که با توجه به آماره F بدست آمده بین رشد شرکت با دوره تصدی حسابرِس رابطه معنی داری وجود دارد و میزان سطح معنی داری بدست آمده نیز گواه بر این ادعا می باشد . وهمچنین برای بررسی مستقیم یا معکوس بودن ارتباط بین متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرِس) با متغیر وابسته (رشد شرکت) از آماره t استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان دهنده ارتباط مستقیم بین دوره تصدی حسابرِس با رشد شرکت می باشد یعنی هر چقدر دوران تصدی یک حسابرِس در یک شرکت بیشتر باشد رشد شرکت نیز بیشتر خواهد شد و هر چقدر دوران تصدی حسابرِس در یک شرکت کمتر باشد رشد شرکت نیز در این شرکت ها کاهش خواهد یافت .

نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه چهارم حاکی از این است که با توجه به آماره F بدست آمده بین رشد سود هر سهم با دوره تصدی حسابرِس رابطه معنی داری وجود دارد و میزان سطح معنی داری بدست آمده نیز گواه بر این ادعا می باشد . وهمچنین برای بررسی مستقیم یا معکوس بودن ارتباط بین متغیر مستقل (دوره تصدی حسابرِس) با متغیر وابسته (رشد سود هر سهم) از آماره t استفاده شد که نتایج بدست آمده نشان دهنده ارتباط مستقیم بین دوره تصدی حسابرِس با رشد سود هر

حسابرس در شرکت بیشتر باشد با توجه به شناختی که فعالیت شرکت و کارکنان آن شرکت بدست می‌آورد می‌تواند به عنوان یک عامل جهت آرایه پیشنهادات مالی و همچنین یاری دهنده جهت نابود نمودن منافذ باعث رشد شرکت گردد.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه چهارم مبنی بر اینکه « بین دوره تصدی حسابرس با رشد سود هر سهم رابطه معنی داری وجود دارد » که مورد تایید واقع گردید به سهامداران و سایر سرمایه گذاران پیشنهاد می‌گردد دوره تصدی حسابرس را به عنوان یکی از معیارهایی در نظر داشته باشند که هر چقدر دوران تصدی گری یک حسابرس در شرکت بیشتر باشد می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای رشد سود هر سهم در نظر بگیرند و با استناد نتایج حاصل از فرضیه های اول و دوم نیز می‌توان چنین استنباط نمود که زمانیکه توانایی پیش بینی سود در شرکت افزایش یابد و خطای پیش بینی سود نیز کاهش یابد در نتیجه می‌تواند به عنوان یکی از معیارهایی در نظر باشد که می‌توان گفت در آینده سود هر سهم رشد خواهد نمود و باتوجه به آنچه بیان شد به سرمایه گذاران در سهام شرکت های بورسی پیشنهاد می‌گردد که افزایش دوره تصدی حسابرس را به عنوان معیاری برای افزایش رشد سود هر سهم در نظر داشته باشند.

فهرست منابع

- * خوش طینت، م، و رضایی، م، ۱۳۸۵، "نقش سود و ارزش دفتری در ارزیابی قیمت سهام و تعیین رابطه آن با سود پیش بینی شده"، مطالعات حسابداری، شماره ۱۴
- * حساس یگانه، ی، و قنبریان، ر، ۱۳۸۵، " کیفیت حسابرسی از دیدگاه نظری و تحقیقات تجربی"، فصلنامه حسابدار رسمی، بهار و تابستان،
- * بذرافشان، الف، ۱۳۸۸، "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسان و گزارشگری سودهای محافظه کارانه در شرکتهای بورس اوراق بهادار تهران" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران
- * خوش طینت، م، و رضایی، م، ۱۳۸۵، «نقش سود و ارزش دفتری در ارزیابی قیمت سهام و تعیین رابطه

سهم می‌باشد یعنی هر چقدر دوران تصدی یک حسابرس در یک شرکت بیشتر باشد رشد سود هر سهم نیز در این شرکت بیشتر می‌باشد و هر چقدر دوران تصدی حسابرس در یک شرکت کمتر باشد رشد سود هر سهم نیز در این شرکت ها کاهش خواهد یافت. نتایج حاصل از فرضیات پژوهش عبارتند از:

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه اول مبنی بر اینکه « بین دوره تصدی حسابرس با توانایی پیش بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد » که مورد تایید واقع گردید به سهامداران و سایر سرمایه گذاران پیشنهاد می‌گردد که دوره تصدی حسابرس را به عنوان یکی از معیار های تصمیم گیری در مورد توانایی پیش بینی سود های شرکت در نظر بگیرند زیرا قبل از اینکه شرکت سود پیش بینی شده خود را بخواهد به اطلاع عموم برساند باید حسابرس گزارش مربوطه را بررسی نموده و اظهار نظر نماید با توجه به این مطلب هر چقدر دوره تصدی حسابرس در یک شرکت بیشتر باشد پس در نتیجه شناخت بیشتری نسبت به فعالیت صاحبکار خواهد داشت که در این صورت می‌تواند راهنمایی برای سرمایه گذاری در سهام شرکت و کسب بازدهی باشد.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه دوم مبنی بر اینکه « بین دوره تصدی حسابرس با خطای پیش بینی سود رابطه معنی داری وجود دارد » که مورد تایید واقع گردید به سهامداران و سایر سرمایه گذاران پیشنهاد می‌گردد دوره تصدی حسابرس را به عنوان یکی از معیارهای صحت دقت پیش بینی های مدیریت از سود در نظر داشته باشند زیرا با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم هر چقدر دوره تصدی حسابرس بیشتر باشد خطای پیش بینی سود کمتر خواهد شد و می‌توان به سود های پیش بینی شده مدیریت اعتماد بیشتری نمود و در نتیجه بازدهی بیشتری کسب نمود.

با توجه به نتیجه حاصل از فرضیه سوم مبنی بر اینکه « بین دوره تصدی حسابرس با رشد شرکت رابطه معنی داری وجود دارد » که مورد تایید واقع گردید به سهامداران و سایر سرمایه گذاران پیشنهاد می‌گردد دوره تصدی حسابرس را به عنوان یکی از معیارهایی در نظر داشته باشند که هر چقدر دوران تصدی گری یک

آن با سود پیش بینی شده»، مطالعات حسابداری ،
شماره ۱۴

۱. Watts , Zimmerman
 ۲. Li
 ۳. Hamilton & associates
 ۴. Carcello & Nagy
 ۵. Jenkins & Velury
 ۶. Meyers & associates
 ۷. PricewaterhouseCoopers
 ۸. Gul & associates
 ۹. Pierre and Anderson
 ۱۰. Johnson & associates
 ۱۱. Walker & associates
 ۱۲. Elitzur & Falk
 ۱۳. Deis & Giroux
 ۱۴. Lennox
 ۱۵. Becker, 1989
 ۱۶. Porter 1992
 ۱۷. Bilingez, 1999
 ۱۸. Finger
 ۱۹. Feerfield et al
 ۲۰. Balackrishan et al
 ۲۱. Noren & Soderstrom
 ۲۲. Anderson et al
 ۲۳. Engram et al
 ۲۴. Hoongran et al
 ۲۵. Greeson & Noreen
 ۲۶. Ibrahim
 ۲۷. Ahmed
 ۲۸. Davis & associates
 ۲۹. Ferdinand & associates
 ۳۰. Xie
 ۳۱. Chen
 ۳۲. www. Ir Bours . com
 ۳۳. P – Value or significance level
 ۳۴. Ferz. 1978, Bankez and kinee. 1982, Falk and willson. 1994, chen. 1996
- * Ahmed, Kamran, Hasan Tanweer, Karim Waves, (2007), "Reliability of Management Earnings forecasts in IPO prospectuses": Evidence from an Emerging Market.
 * Carcello, Joseph and Nagy, Albert (2004). AUDIT FIRM TENURE AND FRAUDULENT FINANCIAL REPORTING. Working paper.
 * Hamilton, J., C. Ruddock, D. Stokes, and S. Taylor. 2005. "Audit partner rotation, earnings quality and earnings conservatism". Working paper, University of Technology, Sydney, and University of New South Wales.
 * Jenkins, David S and Velury, Uma (2008). Does auditor tenure influence the reporting of conservative earnings?. Journal of Accounting and Public Policy 27: 115–132
 * Lennox, C., 2000. Do companies successfully engage in opinion shopping: evidence from the UK? Journal of Accounting and Economics 29: 321–337.
 * Li, D. 2007. "Auditor tenure and accounting conservatism". PhD Dissertation, Georgia Institute of Technology.
 * Myers, J.N., Myers, L.A. and T.G. Omer (2003). Exploring the Auditor – Client Relationship and Quality of Earnings: A Case for Mandatory Auditor Rotation", Accounting Review, 78: 779-800.
 * PricewaterhouseCoopers, 2002. Mandatory Rotation of Audit Firms: Will It Improve Audit Quality? PricewaterhouseCoopers LLP, New York.
 * Watts, R.L., Zimmerman, J.L., 1986. Positive Accounting Theory. Prentice-Hall, Englewood Cliffs, NJ.
 * Xie, Wenjuan, (2009), "Analyst Earning Forecast Accuracy": A Second Look, University of New Hampshire.
 * Xie, Wenjuan, (2008), "A New Measure of Analyst Earnings Forecast Dis-persion", Working Paper, University of New Hampshire.
 * Chen. L., Da. Z and Priestley. R, (2010), "Dividend Smoothing and Predictability".